

قانون اساسی افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

فصل اول

دولت

ماده اول:

افغانستان، دولت جمهوری اسلامی، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه می باشد.

ماده دوم:

دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است. پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی شان در حدود احکام قانون آزاد می باشند.

ماده سوم:

در افغانستان هیچ قانون نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.

ماده چهارم:

حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که به طور مستقیم یا وسط نمایندگان خود آن را اعمال می کند. ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند. ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام می باشد. بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق می شود. هیچ فرد از افراد ملت از تابعیت افغانستان محروم نمی گردد. امور مربوط به تابعیت و پناهندگی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده پنجم:

تطبيق احکام این قانون اساسی و سایر قوانین، دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و تأمین امنیت و قابلیت دفاعی کشور از وظایف اساسی دولت می باشد.

ماده ششم:

دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف می باشد.

ماده هفتم:

دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می کند.

دولت از هر نوع اعمال تروریستی، زرع و قاچاق مواد مخدر و تولید و استعمال مسکرات جلوگیری می کند.

ماده هشتم:

دولت سیاست خارجی کشور را بر مبنای حفظ استقلال، منافع ملی و تمامیت ارضی و عدم مداخله، حسن همجواری، احترام متقابل و تساوی حقوق تنظیم می نماید.

ماده نهم:

معادن و سایر منابع زیر زمینی و آثار باستانی ملکیت دولت می باشند. حفاظت و اداره املاک دولت و طرز استفاده درست از منابع طبیعی و سایر املاک عامه توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده دهم:

دولت، سرمایه‌گزارها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصونیت آن‌ها را تضمین می‌نماید.

ماده یازدهم:

امور مربوط به تجارت داخلی و خارجی، مطابق به ایجابات اقتصادی کشور و مصالح مردم، توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده دوازدهم:

دفاعستان بانک، بانک مرکزی دولت و مستقل می‌باشد.
نشر پول و طرح و تطبیق سیاست پولی کشور، مطابق به احکام قانون، از صلاحیت بانک مرکزی می‌باشد.
بانک مرکزی در مورد چاپ پول با کمیسیون اقتصادی ولسی جرگه مشوره می‌نماید.
تشکیل و طرز فعالیت این بانک توسط قانون تنظیم می‌شود.

ماده سیزدهم:

دولت برای انکشاف صنایع، رشد تولید، ارتقای سطح زندگی مردم و حمایت از فعالیتهای پیشه‌وران، پروگرامهای مؤثر طرح و تطبیق می‌نماید.

ماده چهاردهم:

دولت برای انکشاف زراعت و مالداري، بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و معیشتی دهقانان و مالداران و اسکان و بهبود زندگی کوچیان، در حدود بنیه مالی دولت، پروگرامهای مؤثر طرح و تطبیق می‌نماید.
دولت به منظور تهیه مسکن و توزیع ملکیت‌های عامه برای اتباع مستحق، مطابق به احکام قانون و در حدود امکانات مالی، تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید.

ماده پانزدهم:

دولت مکلف است در مورد حفظ و بهبود جنگلات و محیط زیست تدابیر لازم اتخاذ نماید.

ماده شانزدهم:

از جمله زبانهای پشتو، دری، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، پشه‌یی، نورستانی، پامیری و سایر زبانهای رایج در کشور، پشتو و دری زبانهای رسمی دولت می‌باشند.
در مناطقی که اکثریت مردم به یکی از زبانهای ازبکی، ترکمنی، پشه‌یی، نورستانی، بلوچی و یا پامیری تکلم می‌نمایند آن زبان علاوه بر پشتو و دری به حیث زبان سوم رسمی می‌باشد و نحوه تطبیق آن توسط قانون تنظیم می‌گردد.
دولت برای تقویت و انکشاف همه زبانهای افغانستان پروگرامهای مؤثر طرح و تطبیق می‌نماید.
نشر مطبوعات و رسانه‌های گروهی به تمام زبانهای رایج در کشور آزاد می‌باشد.
مصطلحات علمی و اداری ملی موجود در کشور حفظ می‌گردد.

ماده هفدهم:

دولت برای ارتقای معارف در همه سطوح، انکشاف تعلیمات دینی، تنظیم و بهبود وضع مساجد، مدارس و مراکز دینی تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید.

ماده هجدهم:

مبدأ تقویم کشور بر هجرت پیغمبر اکرم (ص) استوار است.
مبنای کار ادارات دولتی تقویم هجری شمسی می‌باشد.
روزهای جمعه، ۲۸ اسد و ۸ ثور تعطیل عمومی است. سایر رخصتی‌ها توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده نوزدهم:

بیرق افغانستان مرکب است از: سه قطعه با رنگهای سیاه، سرخ و سبز که به صورت عمودی، به اندازه های مساوی، از چپ به راست، در کنار هم واقع شده، عرض هر رنگ برابر نصف طول آن است و در وسط آن نشان ملی افغانستان قرار دارد.

نشان ملی افغانستان عبارت از محراب و منبر به رنگ سفید می باشد که در دو گوشه آن دو بیرق و در وسط آن در قسمت فوقانی، کلمه مبارک لا اله الا الله محمد رسول الله و الله اکبر و اشعه خورشید در حال طلوع و در قسمت تحتانی آن تاریخ ۱۲۹۸ هجری شمسی و کلمه افغانستان، جا داشته و از دو طرف باخوشه های گندم احاطه شده است. طرز استفاده از بیرق و نشان ملی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده بیستم:

سرود ملی افغانستان به زبان پشتو و با ذکر الله اکبر و نام اقوام افغانستان می باشد.

ماده بیست و یکم:

پایتخت افغانستان شهر کابل می باشد.

فصل دوم

حقوق اساسی و وجایب اتباع

ماده بیست و دوم:

هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است.

اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند.

ماده بیست و سوم:

زندگی موهبت الهی و حق طبیعی انسان است. هیچ شخص بدون مجوز قانونی از این حق محرومی گردد.

ماده بیست و چهارم:

آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد، حدودی ندارد.

آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است.

دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد.

ماده بیست و پنجم:

برائت ذمه حالت اصلی است.

متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی گناه شناخته می شود.

ماده بیست و ششم:

جرم یک عمل شخصی است.

تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخص دیگری سرایت نمی کند.

ماده بیست و هفتم:

هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.

هیچ شخص را نمی توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون.

هیچ شخص را نمی توان مجازات نمود مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

ماده بیست و هشتم:

هیچ یک از اتباع افغانستان به علت اتهام به جرم، به دولت خارجی سپرده نمی شود مگر بر اساس معامله بالمثل و پیمان های بین الدول که افغانستان به آن پیوسته باشد.

هیچ افغان به سلب تابعیت و یا تبعید در داخل یا خارج افغانستان محکوم نمی شود.

ماده بیست و نهم:

تعذیب انسان ممنوع است.

هیچ شخص نمی تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگرچه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد.

تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است.

ماده سی ام:

اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراه به دست آورده شود، اعتبار ندارد.

اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل، در حضور محکمه با صلاحیت.

ماده سی و یکم:

هر شخص می تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند.

متهم حق دارد به مجرد گرفتاری، از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعاد که قانون تعیین می کند در محکمه حاضر گردد.

دولت در قضایای جنایی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می نماید.

محرمیت مکالمات، مراسلات و مخابرات بین متهم و وکیل آن، از هر نوع تعرض مصون می باشد.

وظایف و صلاحیت های وکلای مدافع توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و دوم:

مدیون بودن شخص موجب سلب یا محدود شدن آزادی وی نمی شود.

طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده سی و سوم:

اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می باشند.

شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده سی و چهارم:

آزادی بیان از تعرض مصون است.

هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید.

هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی، بپردازد.

احکام مربوط به مطابع، رادیو و تلویزیون، نشر مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده سی و پنجم:

اتباع افغانستان حق دارند به منظور تامین مقاصد مادی و یا معنوی، مطابق به احکام قانون، جمعیتها تاسیس نمایند.

اتباع افغانستان حق دارند، مطابق به احکام قانون، احزاب سیاسی تشکیل دهند، مشروط بر اینکه:

1- مرامنامه و اساسنامه حزب، مناقض احکام دین مقدس اسلام و نصوص و ارزشهای مندرج این قانون اساسی نباشد؛

2- تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد؛

3- اهداف و تشکیلات نظامی و شبه نظامی نداشته باشد؛

4- وابسته به حزب سیاسی و یا دیگر منابع خارجی نباشد؛

تاسیس و فعالیت حزب بر مبنای قومیت، سمت، زبان و مذهب فقهی جواز ندارد.

جمعیت و حزبی که مطابق به احکام قانون تشکیل می شود، بدون موجبات قانونی و حکم محکمه با صلاحیت منحل نمی شود.

ماده سی و ششم:

اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح آمیز، بدون حمل سلاح، طبق قانون اجتماع و تظاهرات نمایند.

ماده سی و هفتم:

آزادی و حریمت مراسلات و مخابرات اشخاص چه به صورت مکتوب باشد و چه به وسیله تلفون، تلگراف و وسایل دیگر، از تعرض مصون است.

دولت حق تفتیش مراسلات و مخابرات اشخاص را ندارد، مگر مطابق به احکام قانون.

ماده سی و هشتم:

مسکن شخص از تعرض مصون است. هیچ شخص، به شمول دولت، نمی تواند بدون اجازه ساکن یا قرار محکمه با صلاحیت و به غیر از حالات و طرز که در قانون تصریح شده است، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش نماید.

در مورد جرم مشهود، مامور مسئول می تواند بدون اجازه قبلی محکمه، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش کند. مامور مذکور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش، در خلال مدتی که قانون تعیین می کند قرار محکمه را حاصل نماید.

ماده سی و نهم:

هر افغان حق دارد به هر نقطه کشور سفر نماید و مسکن اختیار کند، مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون به خارج افغانستان سفر نماید و به آن عودت کند.

دولت از حقوق اتباع افغانستان در خارج از کشور حمایت می نماید.

ماده چهل:

ملکیت از تعرض مصون است.

هیچ شخص از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمی شود، مگر در حدود احکام قانون.

ملکیت هیچ شخص، بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت صادره نمی شود.

استملاک ملکیت شخص، تنها به مقصد تأمین منافع عامه، در بدل تعویض قبلی و عادلانه، به موجب قانون مجاز می باشد.

تفتیش و اعلان دارایی شخص، تنها به حکم قانون صورت می گیرد.

ماده چهل و یکم:

اشخاص خارجی در افغانستان حق ملکیت اموال عقاری را ندارند.

اجاره عقار به منظور سرمایه گذاری، مطابق به احکام قانون مجاز می باشد. فروش عقار به نمایندگی های سیاسی دول خارجی و به مؤسسات بین المللی که افغانستان عضو آن باشد، مطابق به احکام قانون، مجاز می باشد.

ماده چهل و دوم:

هر افغان مکلف است مطابق به احکام قانون به دولت مالیه و محصول تأدیه کند.

هیچ نوع مالیه و محصول، بدون حکم قانون، و وضع نمی شود.

اندازه مالیه و محصول و طرز تأدیه آن، با رعایت عدالت اجتماعی، توسط قانون تعیین میگردد.

این حکم در مورد اشخاص و مؤسسات خارجی نیز تطبیق میشود.

هر نوع مالیه، محصول و عواید تأدیه شده، به حساب واحد دولتی تحویل داده می شود.

ماده چهل و سوم:

تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می گردد.

دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تأمین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام مؤثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبان های مادری را در مناطقی که به آنها تکلم می کنند فراهم کند.

ماده چهارم و چهارم:

دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امحای بی سوادی در کشور، پروگرامهای مؤثر طرح و تطبیق نماید.

ماده چهل و پنجم:

دولت نصاب واحد تعلیمی را، بر مبنای احکام دین مقدس اسلام و فرهنگ ملی و مطابق با اصول علمی، طرح و تطبیق می کند و نصاب مضامین دینی مکاتب را، بر مبنای مذاهب اسلامی موجود در افغانستان، تدوین می نماید.

ماده چهل و ششم:

تأسیس و اداره مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی وظیفه دولت است. اتباع افغانستان می توانند به اجازه دولت به تأسیس مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی، اختصاصی و سواد آموزی اقدام نمایند. دولت می تواند تأسیس مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی را به اشخاص خارجی نیز مطابق به احکام قانون اجازه دهد. شرایط شمول در مؤسسات تعلیمات عالی دولتی و سایر امور مربوط به آن، توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده چهل و هفتم:

دولت برای پیشرفت علم، فرهنگ، ادب و هنر پروگرامهای مؤثر طرح می نماید. دولت حقوق مؤلف، مخترع و کاشف را تضمین می نماید و تحقیقات علمی را در تمام عرصه ها تشویق و حمایت می کند و استفاده مؤثر از نتایج آن را، مطابق به احکام قانون، تعمیم می بخشد.

ماده چهل و هشتم:

کار حق هر افغان است. تعیین ساعات کار، رخصتی با مزد، حقوق کار و کارگر و سایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم میگردد. انتخاب شغل و حرفه، در حدود احکام قانون، آزاد می باشد.

ماده چهل و نهم:

تحمیل کار اجباری ممنوع است. سهم گیری فعال در حالت جنگ، آفات و سایر حالاتی که حیات و آسایش عامه را تهدید کند، از وجایب ملی هر افغان می باشد. تحمیل کار بر اطفال جواز ندارد.

ماده پنجاهم:

دولت مکلف است به منظور ایجاد اداره سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور تدابیر لازم اتخاذ نماید. اداره اجراء خود را با بیطرفی کامل و مطابق به احکام قانون عملی می سازد. اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می باشند. این حق جز صدمه به حقوق دیگران و امنیت عامه حدودی ندارد. اتباع افغانستان بر اساس اهلیت و بدون هیچگونه تبعیض و به موجب احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته می شوند.

ماده پنجاه و یکم:

هر شخص که از اداره بدون موجب متضرر شود مستحق جبران خساره می باشد و می تواند برای حصول آن در محکمه دعوا اقامه کند. به استثنای حالاتیکه در قانون تصریح گردیده است، دولت نمی تواند بدون حکم محکمه باصلاحیت به تحصیل حقوق خود اقدام کند.

ماده پنجاه و دوم:

دولت وسایل وقایه و علاج امراض و تسهیلات صحي رایگان را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تامین مینماید. دولت تأسیس و توسعه خدمات طبي و مراکز صحي خصوصي را مطابق به احکام قانون تشویق و حمایت مي کند. دولت به منظور تقویت تربیت بدني سالم و انکشاف ورزشهاي ملي و محلي تدابیر لازم اتخاذ مي نماید.

ماده پنجاه و سوم:

دولت به منظور تنظیم خدمات طبي و مساعدت مالي برای بازماندگان شهدا و مفقودین و برای باز تواني معلولین و معیوبین و سهم گیری فعال آنان در جامعه، مطابق به احکام قانون، تدابیر لازم اتخاذ مي نماید.

دولت حقوق متقاعدین را تضمین نموده، برای کهن سالان، زنان بي سرپرست، معیوبین و معلولین و ایتم بي بضاعت مطابق به احکام قانون کمک لازم به عمل مي آورد.

ماده پنجاه و چهارم

خانواده رکن اساسي جامعه را تشکیل مي دهد و مورد حمایت دولت قرار دارد. دولت به منظور تأمین سلامت جسمي و روي خانواده، بالخصوص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام تدابیر لازم اتخاذ مي کند.

ماده پنجاه و پنجم:

دفاع از وطن وجبیه تمام اتباع افغانستان است. شرایط اجرائي دوره مکلفیت عسکري توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده پنجاه و ششم:

پیروزي از احکام قانون اساسي، اطاعت از قوانین و رعایت نظم و امن عامه وجبیه تمام مردم افغانستان است. بي خبري از احکام قانون عذر دانسته نمی شود.

ماده پنجاه و هفتم

دولت حقوق و آزادي هاي اتباع خارجي را در افغانستان، طبق قانون تضمین مي کند. این اشخاص در حدود قواعد حقوق بین المللي به رعایت قوانین دولت افغانستان مکلف می باشند.

ماده پنجاه و هشتم:

دولت به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و بهبود و حمایت از آن، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را تاسیس مي نماید. هر شخص مي تواند در صورت نقض حقوق بشري خود، به این کمیسیون شکایت نماید. کمیسیون مي تواند موارد نقض حقوق بشري افراد را به مراجع قانوني راجع سازد و در دفاع از حقوق آنها مساعدت نماید. تشکیل و طرز فعالیت این کمیسیون توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده پنجاه و نهم:

هیچ شخص نمی تواند با سوء استفاده از حقوق و آزادیهای مندرج این قانون اساسي، بر ضد استقلال، تمامیت ارضي، حاکمیت و وحدت ملي عمل کند.

فصل سوم

رئیس جمهور

ماده شصتم:

رئیس جمهور در راس دولت جمهوري اسلامي افغانستان قرار داشته، صلاحیت هاي خود را در عرصه هاي اجرائيه، تقنینيه و قضائيه، مطابق به احکام این قانون اساسي، اعمال مي کند.

رئیس جمهور دارای دو معاون اول و دوم، می باشد.
 کاندید ریاست جمهوری نام هر دو معاون را همزمان با کاندید شدن خود به ملت اعلام میدارد.
 معاون اول رئیس جمهور در حالت غیاب، استعفاً و یا وفات رئیس جمهور، مطابق به احکام مندرج این قانون اساسی، عمل می کند.
 در غیاب معاون اول رئیس جمهور، معاون دوم مطابق به احکام مندرج این قانون اساسی عمل می کند.

ماده شصت و یکم:

رئیس جمهور با کسب اکثریت بیش از پنجاه فی صد آرای رای دهندگان از طریق رأی گیری آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می گردد.
 وظیفه رئیس جمهور در اول جوزای سال پنجم بعد از انتخابات پایان می یابد.
 انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید در خلال مدت سی الی شصت روز قل از پایان کار رئیس جمهور برگزار میگردد.
 هرگاه در دور اول هیچ یک از کاندیدان نتواند اکثریت بیش از پنجاه فی صد آرا را به دست آورد، انتخابات برای دور دوم در ظرف دو هفته از تاریخ اعلام نتایج انتخابات برگزار می گردد و در این دور تنها دو نفر از کاندیدانی که بیشترین آرا را در دور اول به دست آورده اند، شرکت می نمایند.
 در دور دوم انتخابات، کاندیدی که اکثریت آرا را کسب کند، رئیس جمهور شناخته می شود.
 هرگاه یکی از کاندیدان ریاست جمهوری در جریان دور اول یا دوم رای گیری و یا بعد از انتخابات و قبل از اعلام نتایج انتخابات وفات نماید، انتخابات مجدد مطابق به احکام قانون برگزار میگردد.

ماده شصت و دوم

شخصی که به ریاست جمهوری کاندید می شود، واجد شرایط ذیل می باشد:
 1- تبعه افغانستان، مسلمان و متولد از والدین افغان بوده و تابعیت کشور دیگری را نداشته باشد.
 2- در روز کاندید شدن سن وی از چهل سال کمتر نباشد.
 3- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.
 هیچ شخص نمی تواند بیش از دو دوره به حیث رئیس جمهور انتخاب گردد.
 حکم مندرج این ماده در مورد معاونین رئیس جمهور نیز تطبیق می گردد.

ماده شصت و سوم:

رئیس جمهور قبل از تصدی وظیفه، مطابق به طرز العمل خاص که توسط قانون تنظیم میگردد، حلف آتی را به جا می آورد:

بسم الله الرحمن الرحيم

"به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که دین مقدس اسلام را اطاعت و از آن حمایت کنم.
 قانون اساسی و سایر قوانین را رعایت و از تطبیق آن مواظبت نمایم.
 از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان حراست و حقوق و منافع مردم افغانستان را حفاظت کنم و با استعانت از بارگاه پروردگار متعال و پشتیبانی ملت، مساعی خود را در راه سعادت و ترقی مردم افغانستان بکار برم."

ماده شصت و چهارم:

رئیس جمهور دارای صلاحیتها و وظایف ذیل می باشد:

- 1- مراقبت از اجرای قانون اساسی.
- 2- تعیین خطوط اساسی سیاست کشور به تصویب شورای ملی.
- 3- قیادت اعلائی قوای مسلح افغانستان.
- 4- اعلان حرب و متارکه به تائید شورای ملی.
- 5- اتخاذ تصمیم لازم در حالت دفاع از تمامیت ارضی و حفظ استقلال.
- 6- فرستادن قطعات قوای مسلح به خارج افغانستان به تائید شورای ملی.
- 7- دایر نمودن لویه جرگه به استثنای حالت مندرج ماده شصت و نهم این قانون اساسی.

- 8- اعلان حالت اضطرار به تایید شورای ملی و خاتمه دادن به آن.
- 9- افتتاح اجلاس شورای ملی و لویه جرگه.
- ۱۰- قبول استعفای معاونین ریاست جمهوری.
- 11- تعیین وزرا، لوی خانونال، رئیس بانک مرکزی، رئیس امنیت ملی و رئیس سره میاشت به تایید ولسی جرگه و عزل و قبول استعفای آنها.
- 12- تعیین رئیس و اعضای ستره محکمه به تائید ولسی جرگه.
- 13- تعیین، تقاعد، قبول استعفا و عزل قضات، صاحب منصبان قوای مسلح، پولیس و امنیت ملی و مامورین عالی رتبه مطابق به احکام قانون.
- 14- تعیین سران نمایندگی های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی و مؤسسات بین المللی.
- 15- قبول اعتماد نامه های نمایندگان سیاسی خارجی در افغانستان.
- 16- توشیح قوانین و فرامین تقنینی.
- 17- اعطای اعتبار نامه به غرض عقد معاهدات بین الدول مطابق به احکام قانون.
- 18- تخفیف و عفو مجازات مطابق به احکام قانون.
- 19- اعطای مدالها، نشانها و القاب افتخاری مطابق به احکام قانون.
- 20- تأسیس کمیسیون ها به منظور بهبود اداره کشور مطابق به احکام قانون.
- 21- سایر صلاحیتها و وظایف مندرج این قانون اساسی؛

ماده شصت و پنجم:

رئیس جمهور می تواند در موضوعات مهم ملی سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی به آرای عمومی مردم افغانستان مراجعه نماید.

مراجعه به آرای عمومی نباید مناقض احکام این قانون اساسی و یا مستلزم تعدیل آن باشد.

ماده شصت و ششم:

رئیس جمهور در اعمال صلاحیتهای مندرج این قانون اساسی، مصالح علیای مردم افغانستان را رعایت می کند.

رئیس جمهور نمی تواند بدون حکم قانون ملکیت های دولتی را بفروشد یا اهدا کند.

رئیس جمهور نمی تواند در زمان تصدی وظیفه از مقام خود به ملحوظات لسانی، سمتی، قومی، مذهبی و حزبی استفاده نماید.

ماده شصت و هفتم:

در صورت استعفا، عزل یا وفات رئیس جمهور و یا مریضی صعب العلاج که مانع اجراء وظیفه شود، معاون اول

رئیس جمهور صلاحیتهای و وظایف رئیس جمهور را به عهده می گیرد.

رئیس جمهور استعفای خود را شخصاً به شورای ملی اعلام می نماید.

تثبیت مریضی صعب العلاج توسط هیئت طبی با صلاحیت که از طرف ستره محکمه تعیین میگردد صورت میگیرد.

در این حالات در خلال مدت سه ماه انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید طبق ماده شصت و یکم این قانون

اساسی برگزار میگردد.

معاون اول رئیس جمهور در زمان تصدی به حیث رئیس جمهور موقت امور ذیل را انجام داده نمی تواند:

1- تعدیل قانون اساسی.

2- عزل وزرا.

3- مراجعه به آرای عامه.

معاونین رئیس جمهور می توانند مطابق به احکام این قانون اساسی خود را به ریاست جمهوری کاندید نمایند.

در صورت غیاب رئیس جمهور، وظایف معاون اول توسط رئیس جمهور تعیین می گردد.

ماده شصت و هشتم:

هرگاه یکی از معاونین رئیس جمهور استعفاء و یا وفات نماید عوض وی شخص دیگری توسط رئیس جمهور به تأیید

ولسی جرگه تعیین میگردد.

در صورت وفات همزمان رئیس جمهور و معاون اول وی، بالترتیب معاون دوم، رئیس مشرانو جرگه، رئیس ولسی جرگه و وزیر خارجه یکی بعد دیگری مطابق به حکم مندرج ماده شصت و هفتم این قانون اساسی وظایف رئیس جمهور را به عهده میگیرد.

ماده شصت و نهم:

رئیس جمهور در برابر ملت و ولسی جرگه مطابق به احکام این ماده مسئول می باشد. اتهام علیه رئیس جمهور به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت، از طرف یک ثلث کل اعضای ولسی جرگه تقاضا شده می تواند. در صورتیکه این تقاضا از طرف دو ثلث کل آرای ولسی جرگه تأیید گردد، ولسی جرگه در خلال مدت یک ماه لویه جرگه را دایر می نماید.

هرگاه لویه جرگه اتهام منسوب را به اکثریت دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، رئیس جمهور از وظیفه منفصل و موضوع به محکمه خاص محول میگردد. محکمه خاص متشکل است از رئیس مشرانو جرگه، سه نفر از اعضای ولسی جرگه و سه نفر از اعضای ستره محکمه به تعیین لویه جرگه، اقامه دعوی توسط شخصی که از طرف لویه جرگه تعیین می گردد صورت میگیرد.

در این حالت احکام مندرج ماده شصت و هفتم این قانون اساسی تطبیق می گردد.

ماده هفتادم:

معاش و مصارف رئیس جمهور توسط قانون تنظیم می گردد.

رئیس جمهور بعد از ختم دوره خدمت، به استثنای حالت عزل، برای بقیه مدت حیات از حقوق مالی دوره ریاست جمهوری مطابق به احکام قانون مستفید می شود.

فصل چهارم

حکومت

ماده هفتاد و یکم

حکومت متشکل است از وزرا که تحت ریاست رئیس جمهور اجرائی وظیفه می نمایند. تعداد وزرا و وظایف شان توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده هفتاد و دوم

شخصی که به حیث وزیر تعیین می شود واجد شرایط ذیل می باشد:

1- تنها حامل تابعیت افغانستان باشد.

هرگاه کاندید وزرات تابعیت کشور دیگری را نیز داشته باشد، ولسی جرگه صلاحیت تأیید و یا رد آنرا دارد.

2- دارای تحصیلات عالی، تجربه کاری و شهرت نیک باشد.

3- سن وی از سی و پنج سال کمتر نباشد.

4- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

ماده هفتاد و سوم

وزرا می توانند از اعضای شورای ملی یا خارج از آن تعیین شوند.

هرگاه عضو شورای ملی به حیث وزیر تعیین شود، عضویت خود را در شورای از دست می دهد و در عوض وی شخص دیگری مطابق به حکم قانون تعیین می گردد.

ماده هفتاد و چهارم

وزرا قبل از تصدی وظیفه حلف آتی را به حضور رئیس جمهور، به جا می آورند:

بسم الله الرحمن الرحيم

"به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که دین مقدس اسلام را حمایت، قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان را رعایت، حقوق اتباع را حفاظت و از استقلال، تمامیت ارضی و وحدت ملی مردم افغانستان حراست کنم و در همه اعمال خود خداوند (ج) را حاضر دانسته، وظایف محوله را صادقانه انجام دهم."

ماده هفتاد و پنجم:

حکومت دارای وظایف ذیل می باشد:

- 1--تعمیل احکام این قانون اساسی و سایر قوانین و فیصله های قطعی محاکم.
- 2- حفظ استقلال، دفاع از تمامیت ارضی و صیانت منافع و حیثیت افغانستان در جامعه بین المللی.
- 3- تأمین نظم و امن عامه و از بین بردن هر نوع فساد اداری.
- 4- ترتیب بودجه، تنظیم وضع مالی دولت و حفاظت دارایی عامه.
- 5- طرح و تطبیق پروگرام های انکشافی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنالوژیک.
- 6- ارائه گزارش به شورای ملی در ختم سال مالی درباره امور انجام شده و پروگرام های عمده سالی مالی جدید.
- 7- انجام سایر وظایفی که به موجب این قانون اساسی و قوانین دیگر از وظایف حکومت دانسته شده است.

ماده هفتاد و ششم

حکومت برای تطبیق خطوط اساسی سیاست کشور و تنظیم وظایف خود مقررات وضع و تصویب می کند. این مقررات باید مناقض نص یا روح هیچ قانون نباشد.

ماده هفتاد و هفتم:

وزرا وظایف خود را به حیث آمرین واحدهای اداری در داخل حدودی که این قانون اساسی و سایر قوانین تعیین می کند، اجرا می نمایند.

وزرا از وظایف مشخصه خود نزد رئیس جمهور و ولسی جرگه مسئولیت دارند.

ماده هفتاد و هشتم:

هرگاه وزیر به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی و یا سایر جرایم متهم گردد، قضیه با رعایت ماده یکصد و سی و چهارم این قانون اساسی به محکمه خاص محول میگردد.

ماده هفتاد و نهم

حکومت می تواند در حالت تعطیل ولسی جرگه در صورت ضرورت عاجل، به استثنای امور مربوط به بودجه و امور مالی، فرامین تقنینی را ترتیب کند.

فرامین تقنینی بعد از توشیح رئیس جمهور حکم قانون را حایز می شود. فرامین تقنینی باید در خلال سی روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسه شورای ملی به آن تقدیم شود و در صورتی که از طرف شورای ملی رد شود، از اعتبار ساقط میگردد.

ماده هشتادم:

وزرا نمی توانند در زمان تصدی وظیفه از مقام خود به ملحوظات آسانی، سمتی، قومی، مذهبی و حزبی استفاده نمایند.

فصل پنجم

شورای ملی

ماده هشتاد و یکم:

شورای ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به حیث عالی ترین ارگان تقنینی مظهر اراده مردم آن است و از قاطبه ملت نمایندگی می کند.

هر عضو شوری در موقع اظهار رای، مصالح عمومی و منافع علیای مردم افغانستان را مدار قضاوت قرار می دهد.

ماده هشتاد و دوم

شورای ملی متشکل از دو مجلس: ولسی جرگه و مشرانو جرگه می باشد.

هیچ شخص نمی تواند در یک وقت عضو هر دو مجلس باشد.

ماده هشتاد سوم:

اعضای ولسی جرگه توسط مردم از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می گردند.

دوره کار ولسی جرگه به تاریخ اول سرطان سال پنجم، بعد از اعلان نتایج انتخابات به پایان می رسد و شورای جدید به کار آغاز می نماید.

انتخابات اعضای ولسی جرگه در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان دوره ولسی جرگه برگزار می گردد.

تعداد اعضاي ولسي جرگه به تناسب نفوس هر حوزه حداکثر دو صدو پنجاه نفر مي باشد. حوزه هاي انتخاباتي و ساير مسايل مربوط به آن در قانون انتخابات تعيين مي گردد.

در قانون انتخابات بايد تدابييري اتخاذ گردد که نظام انتخاباتي، نمايندگي عمومي و عادلانه را براي تمام مردم کشور تأمين نمايد و به تناسب نفوس از هر ولايت طور اوسط حداقل دو وکیل زن در ولسي جرگه عضویت يابد.

ماده هشتاد و چهارم:

اعضاي مشرانو جرگه به ترتيب ذيل انتخاب و تعيين مي شوند:

- 1- از جمله اعضاي شوراي هر ولايت، يك نفر به انتخاب شوراي مربوط براي مدت چهار سال.
 - 2- از جمله اعضاي شورا هاي ولسواليهاي هر ولايت، يك نفر به انتخاب شوراهاي مربوط براي مدت سه سال.
 - 3- يك ثلث باقي مانده از جمله شخصيت هاي خبير و با تجربه به شمول دو نفر از نمايندگان معلولين و معيوبين و دو نفر از نمايندگان کوچي ها به تعيين رئيس جمهور براي مدت پنج سال.
- رئيس جمهور تعداد پنجاه فيصد از اين اشخاص را از بين زنان تعيين مي نمايد.

شخصي که به حيث عضو مشرانو جرگه انتخاب مي شود، عضویت خود را در شوراي مربوطه از دست داده، به عوض او شخص ديگري مطابق به احکام قانون تعيين ميگردد.

ماده هشتاد و پنجم:

شخصي که به عضویت شوراي ملي کاندید يا تعيين مي شود، علاوه بر تکميل شرايط انتخاب کنندگان واجد اوصاف ذيل مي باشد:

- 1- تبعه افغانستان بوده يا حداقل ده سال قبل از تاريخ کاندید يا تعيين شدن تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد.
- 2- از طرف محکمه به ارتکاب جرايم ضد بشري، جنایت و يا حرمان از حقوق مدني محکوم نشده باشد.
- 3- اعضاي ولسي جرگه سن بيست و پنج سالگي را در روز کاندید شدن و اعضاي مشرانو جرگه سن سي و پنج سالگي را در روز کاندید يا تعيين شدن تکميل کرده باشند.

ماده هشتاد و ششم:

وثايق انتخاباتي اعضاي شوراي ملي توسط کميسيون مستقل انتخابات مطابق به احکام قانون تدقيق مي گردد.

ماده هشتاد و هفتم:

هر يك از دو مجلس شوراي ملي، در آغاز دوره کار، يك نفر از اعضاي خود را به حيث رئيس براي يك دوره تقنينيه و دو نفر را به حيث نايب اول و نايب دوم و دو نفر را به حيث منشي و نايب منشي براي مدت يكسال انتخاب مي کند.

اين اشخاص هيئت اداري ولسي جرگه و مشرانو جرگه را تشكيل مي دهند.

وظایف هیئت اداری در اصول وظایف داخلی هر مجلس تعیین می شود.

ماده هشتاد و هشتم:

هر یکی از دو مجلس شورای ملی برای مطالعه موضوعات مورد بحث، بر طبق اصول وظایف داخلی، کمیسیون ها تشکیل می دهد.

ماده هشتاد و نهم:

ولسی جرگه صلاحیت دارد به پیشنهاد یک ثلث اعضا، جهت بررسی و مطالعه اعمال حکومت، کمیسیون خاص تعیین نماید.

ترکیب و طرز العمل این کمیسیون در اصول وظایف داخلی ولسی جرگه تنظیم می گردد.

ماده نودم:

شورای ملی دارای صلاحیتهای ذیل میباشد:

- 1- تصویب، تعدیل یا لغو قوانین و یا فرامین تقنینی.
- 2- تصویب پروگرامهای انکشافی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنالوژیکی.
- 3- تصویب بودجه دولتی و اجازه اخذ یا اعطای قرضه.
- 4- ایجاد واحدهای اداری، تعدیل و یا الغای آن.
- 5- تصدیق معاهدات و میثاقهای بین المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن.
- 6- سایر صلاحیتهای مندرج این قانون اساسی.

ماده نود و یکم:

ولسی جرگه دارای صلاحیتهای اختصاصی ذیل می باشد:

- 1- اتخاذ تصمیم در مورد استیضاح از هر یک از وزرا مطابق به حکم ماده نود و دوم این قانون اساسی.
- 2- اتخاذ تصمیم راجع به پروگرامهای انکشافی و بودجه دولتی.
- 3- تائید یا رد مقرریها مطابق به احکام این قانون اساسی.

ماده نود و دوم:

ولسی جرگه به پیشنهاد بیست فیصد کل اعضا، می تواند از هر یک از وزرا استیضاح به عمل آورد.

هرگاه توضیح ارائه شده قناعت بخش نباشد، ولسی جرگه موضوع رای عدم اعتماد را بررسی می کند.

رای عدم اعتماد از وزیر باید صریح، مستقیم و بر اساس دلایل مؤجه باشد. این رای به اکثریت آرای کل اعضای ولسی جرگه صادر می گردد.

ماده نود و سوم:

هر یک از کمیسیونهای هر دو مجلس شورای ملی می تواند از هر یک از وزرا در موضوعات معین سوال نماید.

شخصی که از او سوال به عمل آمده، می تواند جواب شفاهی یا تحریری بدهد.

ماده نود و چهارم:

قانون عبارت است از مصوبه هر دو مجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد، مگر اینکه در این قانون اساسی طور دیگری تصریح گردیده باشد.

در صورتیکه رئیس جمهور با مصوبه شورای ملی موافقه نداشته باشد می تواند آنرا در ظرف پانزده روز از تاریخ تقدیم با ذکر دلایل به ولسی جرگه مسترد نماید.

با سپری شدن این مدت و یا در صورتی که ولسی جرگه آنرا مجدداً با دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، مصوبه توشیح شده محسوب و نافذ می گردد.

ماده نود و پنجم:

پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت یا اعضای شوری و در ساحه تنظیم امور قضایی از طرف ستره محکمه توسط حکومت صورت گرفته می تواند.

پیشنهاد طرح قانون در مورد بودجه و امور مالی صرف از طرف حکومت صورت می گیرد.

ماده نود و ششم:

هرگاه پیشنهاد طرح قانون حاوی تکلیف جدید یا تنقیص در عایدات دولت باشد، به شرطی در فهرست کار داخل می شود که در متن پیشنهاد، مدرک جبران نیز پیش بینی شده باشد.

ماده نود و هفتم:

پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت نخست به ولسی جرگه تقدیم می گردد.

ولسی جرگه پیشنهاد طرح قانون را، به شمول بودجه و امور مالی و پیشنهاد اخذ و یا اعطای قرضه را، بعد از بحث به صورت یک کل تصویب یا رد می کند.

ولسی جرگه نمی تواند طرح پیشنهاد شده را بیش از یک ماه به تاخیر اندازد.

ولسی جرگه طرح قانون پیشنهاد شده را بعد از تصویب به مشرانو جرگه می سپارد.

مشرانو جرگه در ظرف پانزده روز در مورد آن تصمیم اتخاذ می کند.

شورای ملی به اتخاذ تصمیم در مورد طرح قوانین، معاهدات و پروگرامهای انکشافی دولت که به اساس پیشنهاد حکومت ایجاب رسیدگی عاجل را نماید اولویت می دهد.

هرگاه پیشنهاد طرح قانون از طرف ده نفر از اعضای یکی از دو مجلس صورت گیرد، بعد از تأیید یک پنجم اعضای مجلسی که پیشنهاد به آن ارائه شده است، در فهرست کار آن مجلس داخل میگردد.

ماده نود و هشتم:

بودجه دولت و پروگرام انکشافی حکومت از طریق مشرانو جرگه توام با نظریه مشورتی آن به ولسی جرگه تقدیم می شود.

تصمیم ولسی جرگه بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می شود.

هرگاه نظر به عواملی تصویب بودجه قبل از آغاز سال مالی صورت نگیرد، تا تصویب بودجه جدید، بودجه سال گذشته تطبیق میگردد.

حکومت در خلال ربع چهارم سال مالی، بودجه سال آینده را با حساب اجمالی بودجه سال جاری به شورای ملی تقدیم می نماید. حساب قطعی بودجه سال مالی قبل، در خلال مدت شش ماه سال آینده، مطابق به احکام قانون، به شورای ملی تقدیم میگردد.

ولسی جرگه نمی تواند تصویب بودجه را بیش از یکماه و اجازه اخذ و یا اعطای قرضه را که شامل بودجه نباشد، بیش از پانزده روز به تأخیر اندازد.

هرگاه ولسی جرگه در این مدت راجع به پیشنهاد اخذ و یا اعطای قرضه تصمیم اتخاذ نکند، پیشنهاد تصویب شده محسوب میگردد.

ماده نود و نهم:

در صورتی که در اجلاس شورای ملی، بودجه سالانه یا پروگرام انکشافی یا موضوع مربوط به امنیت عامه، تمامیت ارضی و استقلال کشور مطرح باشد مدت اجلاس شوری قبل از تصویب آن خاتمه یافته نمی تواند.

ماده صدم:

هرگاه مصوبه یک مجلس از طرف مجلس دیگر رد شود، برای حل اختلاف هیئت مختلط به تعداد مساوی از اعضای هر دو مجلس تشکیل می گردد.

فیصله هیئت بعد از توشیح رئیس جمهور، نافذ شمرده میشود.

در صورتیکه هیئت مختلط نتواند اختلاف نظر را رفع کند، مصوبه رد شده به حساب می رود. در این حالت ولسی جرگه می تواند در جلسه بعدی آنرا با دو ثلث آرای کل اعضا تصویب کند. این تصویب بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می شود.

ماده یکصد و یکم:

هیچ عضو شورای ملی به علت رای یا نظریه ای که در هنگام اجرای وظیفه ابراز می دارد مورد تعقیب عدلی قرار نمی گیرد.

ماده یکصد و دوم:

هرگاه عضو شورای ملی به جرمی متهم شود، مامور مسئول از موضوع به مجلسی که متهم عضو آن است اطلاع می‌دهد و متهم تحت تعقیب عدلی قرار گرفته می‌تواند.

در مورد جرم مشهود، مامور مسئول می‌تواند متهم را بدون اجازه مجلسی که او عضو آن می‌باشد تحت تعقیب عدلی قرار دهد و گرفتار نماید.

در هر دو حالت، هرگاه تعقیب عدلی قانوناً توقیف را ایجاب کند، مامور مسئول مکلف است موضوع را بلافاصله به اطلاع مجلس مربوط برساند و تصویب آنرا حاصل نماید.

اگر اتهام در هنگام تعطیل شوری صورت بگیرد، اجازه گرفتاری یا توقیف از هیئت اداری مجلس مربوط حاصل می‌گردد و موضوع به نخستین جلسه مجلس مذکور جهت اخذ تصمیم ارائه می‌شود.

ماده یکصد و سوم:

وزرا می‌توانند در جلسات هریک از دو مجلس شورای ملی اشتراک ورزند.

هر مجلس شورای ملی می‌تواند حضور وزرا را در جلسه خود مطالبه کند.

ماده یکصد و چهارم:

هر دو مجلس شورای ملی در وقت واحد به صورت جداگانه جلسه می‌کنند.

جلسات هر دو مجلس در موارد ذیل می‌تواند به طور مشترک دایر شود:

۱- در موقعی که دوره تقنینیه یا اجلاس سالانه از طرف رئیس جمهور افتتاح می‌گردد.

۲- در صورتیکه رئیس جمهور ضروری تشخیص دهد.

رئیس ولسی جرگه، از جلسات مشترک شورای ملی ریاست می‌نماید.

ماده یکصد و پنجم:

جلسات شورای ملی علنی می‌باشد مگر اینکه رئیس مجلس یا حد اقل ده نفر از اعضای شورای ملی، سری بودن آنرا درخواست نمایند و مجلس این درخواست را بپذیرد. هیچ شخصی نمی‌تواند عنفاً به مقر شورای ملی داخل شود.

ماده یکصد و ششم:

نصاب هر یک از دو مجلس شورای ملی، هنگام رای‌گیری با حضور اکثریت اعضا تکمیل می‌گردد و تصامیم آن با اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می‌شود، مگر در مواردی که این قانون اساسی طور دیگری تصریح نموده باشد.

ماده یکصد و هفتم:

شورای ملی در هر سال دو اجلاس عادی دایر می‌کند.

مدت کار هر دو اجلاس شورای ملی، در هر سال نه ماه می‌باشد. در صورت ایجاب، شوری می‌تواند این مدت را تمدید کند.

جلسات فوق‌العاده شورای ملی در ایام تعطیل به امر رئیس جمهور دایر شده می‌تواند.

ماده یکصد و هشتم:

در حالات وفات، استعفا و عزل عضو شوراي ملي و يا معلولیت يا معيوبیتی که به طور دایم مانع اجرای وظیفه گردد، تعیین نماینده جدید برای مدت باقی مانده دوره تقنینیه، مطابق به احکام قانون صورت میگیرد. امور مربوط به حضور و غیاب اعضای شوراي ملي در اصول وظایف داخلی تنظیم می گردد.

ماده یکصد و نهم:

پیشنهاد تعدیل قانون انتخابات، در یک سال اخیر دوره تقنینیه در فهرست کار شوراي ملي داخل شده نمی تواند.

فصل ششم لویه جرگه

ماده یکصد و دهم:

لویه جرگه عالی ترین مظهر اراده مردم افغانستان می باشد.

لویه جرگه متشکل است از:

1- اعضای شوراي ملي.

2- رؤسای شوراهای ولایات و ولسوالیها.

وزرا، رئیس و اعضای ستره محکمه و لوی

خارنوال می توانند در جلسات لویه جرگه بدون حق رای اشتراک ورزند.

ماده یکصد و یازدهم

لویه جرگه در حالات ذیل

دایر میگردد:

1- اتخاذ تصمیم در مورد مسایل مربوط به استقلال، حاکمیت ملي، تمامیت ارضی و مصالح علیای کشور.

2- تعدیل احکام این قانون اساسی.

3- محاکمه رئیس جمهور مطابق به حکم مندرج ماده شصت و نهم این قانون اساسی.

ماده یکصد و دوازدهم:

لویه جرگه در اولین جلسه، از میان اعضا یک نفر را به حیث رئیس و یک نفر را به حیث معاون و دو نفر را به حیث منشی و نایب منشی انتخاب می کند.

ماده یکصد و سیزدهم

نصاب لویه جرگه هنگام رای دهی، با حضور اکثریت اعضا تکمیل میگردد.

تصمیم لویه جرگه، جز در مواردی که در این قانون اساسی صریحاً ذکر گردیده، با اکثریت آرای کل اعضا اتخاذ میگردد.

ماده یکصد و چهاردهم:

مباحثات لویه جرگه علنی می باشد مگر اینکه یک ربع اعضا سري بودن آنرا در خواست نمایند و لویه جرگه این درخواست را بپذیرد.

ماه یکصد و پانزدهم:

در هنگام دایر بودن لویه جرگه، احکام مندرج مواد یکصد و یکم و یکصد و دوم این قانون اساسی، در مورد اعضای آن تطبیق میگردد.

فصل هفتم

قضاء

ماده یکصد و شانزدهم

قوة قضائیه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد.

قوة قضائیه مرکب است از یک ستره محکمه، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه که تشکیلات و صلاحیت آنها توسط قانون تنظیم میگردد.

ستره محکمه به حیث عالیترین ارگان قضایی در راس قوة قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان قرار دارد.

ماده یکصد و هفدهم:

ستره محکمه مرکب است از نه عضو که از طرف رئیس جمهور با تأیید ولسی جرگه و با رعایت احکام مندرج فقره آخر ماده پنجاهم و ماده یکصد و هجدهم این قانون اساسی در آغاز به ترتیب ذیل تعیین میگردند:

سه نفر برای مدت چهار سال، سه نفر برای مدت هفت سال و سه نفر برای مدت ده سال.

تعیینات بعدی برای مدت ده سال می باشد.

تعیین اعضا برای بار دوم جواز ندارد.

رئیس جمهور یکی از اعضا را به حیث رئیس ستره محکمه تعیین می کند.

اعضای ستره محکمه به استثنای حالت مندرج ماده یکصد و بیست و هفتم این قانون اساسی، تا ختم دوره خدمت از وظایف شان عزل نمی شوند.

ماده یکصد و هجدهم:

عضو ستره محکمه واجد شرایط ذیل می باشد:

1- سن رئیس و اعضا در حین تعیین از چهل سال کمتر نباشد.

2- تبعه افغانستان باشد.

3- در علوم حقوقی و یا فقهی تحصیلات عالی و در نظام قضایی افغانستان تخصص و تجربه کافی داشته باشد.

4- دارای حسن سیرت و شهرت نیکباشد.

5- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

6- در حال تصدی و وظیفه در هیچ حزب سیاسی عضویت نداشته باشد.

ماده یکصد و نوزدهم:

اعضای ستره محکمه قبل از اشغال و وظیفه، حلف آتی را در حضور رئیس جمهور به جا می آورند:

بسم الله الرحمن الرحيم

"به نام خداوند بزرگ (u) سوگند یاد می کنم که حق و عدالت را بر طبق احکام دین مقدس اسلام، نصوص این قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان تأمین نموده، وظیفه قضاء را با کمال امانت صداقت و بی طرفی اجرا نمایم."

ماده یکصد و بیستم:

صلاحیت قوه قضائیه شامل رسیدگی به تمام دعاوی است که از طرف اشخاص حقیقی یا حکمی، به شمول دولت، به حیث مدعی یا مدعی علیه در پیشگاه محکمه مطابق به احکام قانون اقامه شود.

ماده یکصد و بیست و یکم

بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی با قانون اساسی و تفسیر آنها بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم، مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه می باشد.

ماده یکصد و بیست و دوم:

هیچ قانون نمی تواند در هیچ حالت، قضیه یا ساحه یی را از دایره صلاحیت قوه قضائیه به نحوی که در این فصل تعیین شده، خارج بسازد و به مقام دیگر تفویض کند. این حکم مانع تشکیل محاکم خاص مندرج مواد شصت و نهم، هفتاد و هشتم و یکصد و بیست و هفتم این قانون اساسی و محاکم عسکری در قضایای مربوط به آن نمیگردد. تشکیل و صلاحیت این نوع محاکم توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده یکصد و بیست و سوم:

با رعایت احکام این قانون اساسی، قواعد مربوط به تشکیل، صلاحیت و اجراءات محاکم و امور مربوط به قضات توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده یکصد و بیست و چهارم:

در مورد مامورین و سایر کارکنان اداری قوه قضائیه، احکام قوانین مربوط به مامورین و سایر کارکنان اداری دولت نافذ می باشد ولی تقرر، انفکاک، ترفیع، تقاعد، مجازات و مکافات شان توسط ستره محکمه مطابق به احکام قانون صورت میگیرد.

ماده یکصد و بیست و پنجم:

بودجه قوه قضائیه به مشوره حکومت از طرف ستره محکمه ترتیب گردیده، به حیث جزء بودجه دولت، توسط حکومت به شورای ملی تقدیم می شود. تطبیق بودجه قوه قضائیه از صلاحیت ستره محکمه می باشد.

ماده یکصد و بیست و ششم:

اعضای ستره محکمه بعد از ختم دوره خدمت برای بقیه مدت حیات از حقوق مالی دوره خدمت مستفید می شوند مشروط به اینکه به مشاغل دولتی و سیاسی اشتغال نوزند.

ماده یکصد و بیست و هفتم:

هرگاه بیش از یک ثلث اعضای ولسی جرگه، محاکمه رئیس یا عضو ستره محکمه را بر اساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه یا ارتکاب جنایت تقاضا نمایند و ولسی جرگه این تقاضا را با اکثریت دو ثلث کل اعضا تصویب کند، متهم از وظیفه عزل و موضوع به محکمه خاص محول میگردد. تشکیل محکمه و طرز العمل محاکمه، توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و بیست و هشتم:

در محاکم افغانستان، محاکمه به صورت علنی دایر می گردد و هر شخص حق دارد با رعایت احکام قانون در آن حضور یابد. محکمه می تواند در حالاتیکه در قانون تصریح گردیده، یا سری بودن محاکمه ضروری تشخیص گردد، جلسات سری دایر کند ولی اعلام حکم باید به هر حال علنی باشد.

ماده یکصد و بیست و نهم:

محکمه مکلف است اسباب حکمی را که صادر می نماید، در فیصله ذکر کند. تمام فیصله های قطعی محاکم واجب التعمیل است مگر در حالت حکم به مرگ شخص که مشروط به منظوری رئیس جمهور می باشد.

ماده یکصد و سی ام:

محاکم در قضایای مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق می کنند.

هرگاه برای قضیه بی از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، قضیه را به نحوی حل و فصل می نمایند که عدالت را به بهترین وجه تأمین نماید.

ماده یکصد و سی و یکم:

محاکم برای اهل تشیع، در قضایای مربوط به احوال شخصیه، احکام مذهب تشیع را مطابق به احکام قانون تطبیق می نمایند.

در سایر دعاوی نیز اگر در این قانون اساسی و قوانین دیگر حکمی موجود نباشد، محاکم قضیه را مطابق به احکام این مذهب حل و فصل می نمایند.

ماده یکصد و سی و دوم:

قضات به پیشنهاد ستره محکمه و منظوری رئیس جمهور تعیین می گردند.

تقرر، تبدل، ترفیع، مؤاخذة و پیشنهاد تقاعد قضات مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه می باشد.

ستره محکمه به منظور تنظیم بهتر امور اجرایی و قضایی و تأمین اصلاحات لازم، امریت عمومی اداری قوه قضائیه را تأسیس می نماید.

ماده یکصد و سی و سوم:

هرگاه قاضی به ارتکاب جنایت متهم شود، ستره محکمه مطابق به احکام قانون به حالت قاضی رسیدگی نموده، پس از استماع دفاع او، در صورتیکه ستره محکمه اتهام را وارد بداند پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم و با منظوری آن از طرف رئیس جمهور، قاضی متهم از وظیفه معزول و مطابق به احکام قانون مجازات می شود.

ماده یکصد و سی و چهارم:

کشف جرایم، توسط پولیس و تحقیق جرایم و اقامه دعوا علیه متهم در محکمه، از طرف خرنوالی مطابق به احکام قانون صورت میگیرد.

خرنوالی جزء قوه اجرائیه و در اجراءات خود مستقل می باشد.

تشکیل، صلاحیت و طرز فعالیت خرنوالی توسط قانون تنظیم میگردد.

کشف و تحقیق جرایم وظیفوی منسوبین قوای مسلح، پولیس و موظفین امنیت ملی، توسط قانون خاص تنظیم می گردد.

ماده یکصد و سی و پنجم:

اگر طرف دعوا زبانی را که محاکمه توسط آن صورت می گیرد، نداند، حق اطلاع به مواد و اسناد قضیه و صحبت در محکمه به زبان مادری، توسط ترجمان برایش تأمین میگردد.

فصل هشتم

اداره

ماده یکصد و سی و هشتم:

اداره جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس واحدهای اداره مرکزی و ادارات محلی، طبق قانون، تنظیم میگردد.

اداره مرکزی به یک عده واحدهای اداری منقسم میگردد که در راس هر کدام یک نفر وزیر قرار دارد.

واحد اداره محلی، ولایت است. تعداد، ساحه، اجزا و تشکیلات ولایات و ادارات مربوط، بر اساس تعداد نفوس، وضع اجتماعی و اقتصادی و موقعیت جغرافیایی توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده یکصد و سی و نهم:

حکومت با حفظ اصل مرکزیت به منظور تسریع و بهبود امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سهم گیری هر چه بیشتر مردم در انکشاف حیات ملی، صلاحیتهای لازم را مطابق به احکام قانون، به اداره محلی تفویض می نماید.

ماده یکصد و سی و دهم:

در هر ولایت یک شورای ولایتی تشکیل می شود.

اعضای شورای ولایتی، طبق قانون، به تناسب نفوس، از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم از طرف ساکنین ولایت برای مدت چهار سال انتخاب میگردند.
شورای ولایتی یک نفر از اعضای خود را به حیث رئیس انتخاب می نماید.

ماده یکصد و سی و نهم:

شورای ولایتی در تأمین اهداف انکشافی دولت و بهبود امور ولایت به نحوی که در قوانین تصریح می گردد سهم گرفته و در مسایل مربوط به ولایت مشوره می دهد.
شورای ولایتی وظایف خود را با همکاری اداره محلی اجرا می نماید.

ماده یکصد و چهلم:

برای تنظیم امور و تأمین اشتراک فعال مردم در اداره محلی، در ولسوالی ها و قریه ها، مطابق به احکام قانون، شوراهای تشکیل می گردند.
اعضای این شوراهای از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم از طرف ساکنین محل برای مدت سه سال انتخاب می شوند.
سهم گیری کوچیان در شوراهای محلی مطابق به احکام قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و چهل و یکم:

برای اداره امور شهری، شاروالی تشکیل می شود.
شاروال و اعضای مجالس شاروالی، از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می شوند.
امور مربوط به شاروالی ها توسط قانون تنظیم میگردند.

ماده یکصد و چهل و دوم:

دولت به مقصد تعمیم احکام و تأمین ارزشهای مندرج این قانون اساسی، ادارات لازم را تشکیل می نماید.

فصل نهم حالت اضطرار

ماده یکصد و چهل و سوم:

هرگاه به علت جنگ، خطر جنگ، اغتشاش و خیم، آفات طبیعی و یا حالت مماثل، حفظ استقلال و حیات ملی از مجرای که در قانون اساسی تعیین شده، ناممکن گردد، حالت اضطرار از طرف رئیس جمهور با تائید شورای ملی در تمام یا بعضی از ساحات کشور اعلان می شود.
هرگاه حالت اضطرار بیش از دو ماه دوام نماید، برای تمدید آن، موافقت شورای ملی شرط است.

ماده یکصد و چهل و چهارم:

در حالت اضطرار رئیس جمهور می تواند به مشوره رؤسای شورای ملی و ستره محکمه، بعضی از صلاحیت های شورای ملی را به حکومت انتقال دهد.

ماده یکصد و چهل و پنجم:

در حالت اضطرار، رئیس جمهور می تواند بعد از تأیید روسای شورای ملی و ستره محکمه، تنفیذ احکام ذیل را معطل بسازد و یا بر آن ها قیودی وضع نماید:

- 1- فقره دوم ماده بیست و هفتم.
- 2- ماده سی و ششم.
- 3- فقره دوم ماده سی و هفتم.
- 4- فقره دوم ماده سی و هشتم.

ماده یکصد و چهل و ششم:

در حالت اضطرار، قانون اساسی تعدیل نمی شود.

ماده یکصد و چهل و هفتم:

هرگاه دوره ریاست جمهوری و یا دوره تقنینیه شورای ملی در حالت اضطرار ختم شود، اجرای انتخابات جدید ملتوی گذاشته شده، مدت خدمت رئیس جمهور و اعضای شورای ملی تا چهار ماه تمدید می شود. هرگاه حالت اضطرار بیش از چهار ماه دوام نماید لویه جرگه از طرف رئیس جمهور دعوت می شود. بعد از ختم حالت اضطرار، در خلال مدت دو ماه، انتخابات برگزار می گردد.

ماده یکصد و چهل و هشتم:

در ختم حالت اضطرار، اقداماتی که بر اساس مواد یکصد و چهل و چهارم و یکصد و چهل و پنجم این قانون اساسی به عمل آمده، بلا فاصله از اعتبار ساقط می گردند.

فصل دهم

تعدی

ماده یکصد و چهل و نهم:

اصل پیروی از احکام دین مقدس اسلام و نظام جمهوری اسلامی تعدیل نمی شوند. تعدیل حقوق اساسی اتباع صرف به منظور بهبود حقوق آنان مجاز می باشد. تعدیل دیگر محتویات این قانون اساسی، نظر به تجارب و مقتضیات عصر، با رعایت احکام مندرج مواد شصت و هفتم و یکصد و چهل و ششم این قانون اساسی، با پیشنهاد رئیس جمهور یا اکثریت اعضای شورای ملی صورت می گیرد.

ماده یکصد و پنجاهم:

به منظور اجرای پیشنهاد تعدیل، هیئتی از بین اعضای حکومت، شورای ملی و ستره محکمه به فرمان رئیس جمهور تشکیل گردیده، طرح تعدیل را تهیه می کند. برای تصویب تعدیل، لویه جرگه بر اساس فرمان رئیس جمهور و مطابق به احکام فصل لویه جرگه دایر می گردد. هرگاه لویه جرگه با اکثریت دو ثلث کل اعضا طرح تعدیل را تصویب کند، بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ می گردد.

فصل یازدهم

احکام متفرقه

ماده یکصد و پنجاه و یکم:

رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، وزراء، رئیس و اعضای ستره محکمه، لوی خارنوال، روسای بانک مرکزی و امنیت ملی، والیان و شاروالها در مدت تصدی وظیفه نمی توانند هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام دهند.

ماده یکصد و پنجاه دوم:

رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، وزراء، رؤسا و اعضای شورای ملی و ستره محکمه، لوی خارنوال و قضات نمی توانند در مدت تصدی وظیفه به مشاغل دیگری اشتغال ورزند.

ماده یکصد و پنجاه سوم:

قضات، خارنوالان، صاحب منصبان قوای مسلح و پولیس و منسوبین امنیت ملی، در مدت تصدی وظیفه نمی توانند در احزاب سیاسی عضویت داشته باشند.

ماده یکصد و پنجاه چهارم:

دارایی رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، وزراء، اعضای ستره محکمه و لوی خارنوال قبل و بعد از دور خدمت، توسط ارگانی که در قانون تعیین می گردد، ثبت، رسیدگی و نشر می شود.

ماده یکصد و پنجاه و پنجم:

برای معاونین رئیس جمهور، وزراء، رؤسا و اعضای شورای ملی و ستره محکمه، قضات و لوی خرنوال مطابق به احکام قانون معاش مناسب تعیین میگردد.

ماده یکصد و پنجاه و ششم:

کمیسیون مستقل انتخابات برای اداره و نظارت بر هر نوع انتخابات و مراجعه به آرای عمومی مردم در کشور مطابق به احکام قانون تشکیل میگردد.

ماده یکصد و پنجاه و هفتم:

کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی مطابق به احکام قانون تشکیل می گردد. اعضای این کمیسیون از طرف رئیس جمهور به تأیید ولسی جرگه تعیین میگردند.

فصل دوازدهم

احکام انتقالی

ماده یکصد و پنجاه و هشتم:

لقب بابای ملت و امتیازاتی که توسط لویه جرگه اضطراری سال یکهزار و سه صد و هشتاد و یک هجری شمسی به اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، پادشاه سابق افغانستان، اعطا شده است با رعایت احکام این قانون اساسی مادام الحیات برای ایشان محفوظ می باشد.

ماده یکصد و پنجاه و نهم:

مدت بعد از نفاذ این قانون اساسی تا تاریخ افتتاح شورای ملی، دوره انتقال شمرده می شود. دولت انتقالی اسلامی افغانستان، در دوره انتقال، وظایف ذیل را انجام می دهد:

- ۱- اصدار فرامین تقنینی مربوط به انتخابات ریاست جمهوری، شورای ملی و شوراهای محلی در مدت شش ماه.
- ۲- اصدار فرامین در مورد تشکیلات و صلاحیت محاکم و آغاز کار روی قانون تشکیلات اساسی در خلال مدت کمتر از یکسال.
- ۳- تشکیل کمیسیون مستقل انتخابات.
- ۴- انجام اصلاحات لازم به منظور تنظیم بهتر امور اجرایی و قضایی.
- ۵- اتخاذ تدابیر لازم جهت آماده ساختن زمینه برای تطبیق احکام این قانون اساسی.

ماده یکصد و شصت و یکم:

اولین رئیس جمهور منتخب، سی روز بعد از اعلام نتایج انتخابات، مطابق به احکام این قانون اساسی به کار آغاز می کند. کوشش همه جانبه صورت می گیرد تا اولین انتخابات رئیس جمهور و شورای ملی با هم در یک وقت صورت بگیرد. صلاحیت های شورای ملی مندرج در این قانون اساسی تا زمان تاسیس این شوری به حکومت تفویض می شود و ستره محکمه موقت به فرمان رئیس جمهور تشکیل می گردد.

ماده یکصد و شصت و یکم:

شورای ملی، وظایف و صلاحیت های خود را به مجرد تأسیس، مطابق به احکام این قانون اساسی، اعمال می کند. بعد از دایر شدن اولین جلسه شورای ملی، در خلال مدت سی روز، حکومت و ستره محکمه مطابق به احکام این قانون اساسی تشکیل می گردند. رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان تا زمانیکه رئیس جمهور منتخب به کار آغاز کند اجرایی و وظیفه می نماید. ارگانهای اجرایی و قضایی دولت با رعایت حکم فقره چهارم ماده یکصد و پنجاه و نهم این قانون اساسی، الی تشکیل حکومت و ستره محکمه به وظایف خود ادامه میدهند. فرامین تقنینی که از آغاز دوره موقت به بعد نافذ گردیده است به اولین جلسه شورای ملی ارجاع می گردند. این فرامین تا زمانیکه از طرف شورای ملی لغو نگردیده باشند نافذ می باشند.

ماده یکصد و شصت و دوم:

این قانون اساسی از تاریخ تصویب لویه جرگه نافذ و از طرف رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان توشیح و اعلام میگردد.

با انفاذ این قانون اساسی، قوانین و فرامین تقنینی مغایر احکام آن ملغی می باشد